

## مادر از نگاه اسلام و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری بر اساس متون دینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۰

همایون سراقی<sup>۱</sup>، نادر منیرپور<sup>۲</sup>، محمدرضا احمدی<sup>۳</sup>، حمیدرضا حسن‌آبادی<sup>۴</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش مادر با دو رویکرد اسلامی و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری از نگاه اسلام انجام شده است. یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی به دست آمد بیانگر ده مؤلفه برای نقش مادر بود که در سه سازه اصلی پذیرش، محافظت و پرورش سامان دهی شد. پذیرش زیرمؤلفه‌های نداشت؛ زیرمؤلفه‌های محافظت عبارت بود از: تأمین نیازهای زیستی، حفظ از خطر و مراقبت‌های پیش‌گیرانه. زیرمؤلفه‌های پرورش نیز عبارت بود از: پرورش جسمی، توجه به بازی کودک، محبت، تکریم، توجه به موانع رشد و جهت‌دهی مذهبی. روایی محتوایی مؤلفه‌های نقش مادری توسط کارشناسان بررسی شد و مورد تأیید اکثریت کارشناسان (نه نفر از دوازده نفر) قرار گرفت. میانگین نمرات کارشناسان (۲/۲۵ از ۳) و ضریب تطابق کندال (۱) تأییدکننده روایی محتوای مؤلفه‌های مذکور بود. ضرورت اجرای تحلیل‌های آماری دقیق تر و رواسازی ابزار در پژوهش‌های بعدی توصیه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مادر، نقش مادری، جایگاه زن، متون دینی، دین اسلام.

۱. دانش پژوه دوره دکتری، گرایش قرآن و روانشناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: h.soraghi@yahoo.com

۲. استادیار روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.  
Email: monirpoor1357@yahoo.com

۳. استادیار روانشناسی تربیتی، مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، قم، ایران. مدرس جامعه المصطفی العالمیه  
Email: m.r.ahmadi313@gmail.com

۴. استادیار روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی واحد تهران، ایران.  
Email: hassanabadi.hr@gmail.com

از تجلیات ارزشمند زن در جهان خلقت، نقش مادری است. مادری و زنانگی دو مفهومی است که میان آنها رابطه پیچیده‌ای وجود دارد. هرچند برای نقش مادری ارزش‌گذاری زیادی می‌شود و از زنان، انتظار می‌رود نقش مادری را بپذیرند، عملکرد واقعی این نقش هنوز مشخص نیست. در حوزه‌های مذهب و روان‌شناسی جایگاه و نقش مادر در زندگی فرد بررسی شده است. مذهب که فرد، اعتقادات خود را بر مبنای آن سامان می‌دهد، نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز بهینه نقش مادری در زن داشته، نگرشی همراه با تکریم ارایه می‌کند. روان‌شناسی نیز که علمی کاربردی است با مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی، نگرشی چالشی و اُبژه‌محور به حضور مادر در زندگی فرد دارد. (همدانیان، نعمت، و خدابخش، ۱۳۹۰)

تمام ادیان بزرگ آسمانی جایگاه مادر را پاس داشته‌اند و در منابع اسلامی، وراثت (طبری، ۱۳۶۵) و محیط (پاینده، ۱۳۸۲) از عوامل مؤثر بر رشد شناخته شده‌اند که مادر در هر دو زمینه نقش دارد. مادر حامل و انتقال‌دهنده ژن‌های اجداد گذشته و ویژگی‌های خود به فرزند است (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۴۸۴). مادر در دوره بارداری، طولانی‌ترین (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۷/۱۸۶)، نزدیک‌ترین (جوادی آملی، ۱۳۹۱) و با کیفیت‌ترین (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۴۸/۸۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱) ارتباط را با فرزند دارد. خداوند متعال زمینه مادر شدن را در زنان فراهم آورده و این توانایی را ملاکی ارزشی معرفی می‌نماید (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۳۲۴؛ نوری، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۱۴/۱۵۱). افزون بر این، اسلام زنان را به ازدواج، مادر شدن و مادری کردن تشویق می‌نماید. بر این اساس، هدف این پژوهش، بررسی نقش مادر از نگاه متون اسلامی و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری بر اساس متون دینی است.

#### ۱-۱ نقش مادر از نگاه متون اسلامی

ضعف انسان در هنگام تولد، حمایت و مراقبت فیزیکی از نوزاد آدمی را برخلاف گونه‌های زیادی از موجودات به ضرورت تبدیل می‌نماید. مسئولیت این امر، تکلیف واجب شرعی و برعهده پدر است. با این وجود، از مادران انتظار می‌رود به مراقبت از فرزندان خود بپردازند (طاهری‌نیا، ۱۳۸۸). به این منظور، هم نیروی انگیزشی لازم برای رسیدگی به امور فرزند در مادران قرار داده شده است و هم اسلام به بیان‌های مختلف از مادران می‌خواهد نگهداری و حمایت

از فرزندان را برعهده گیرند (رک: بقره: ۱۵۸ و ۲۳۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۰/۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲، ۴۶/۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۴۵۲/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۱/۳۲۵).

همچنین، نوزاد آدمی دارای استعدادهای بالقوه‌ای است که والدین، موظف به پرورش آنها می‌باشند. برای رسیدن به این هدف، نکات آسیب‌زای تربیتی چون تنبیه بدنی و قهر طولانی (ابن فهدحلی، ۱۴۰۷ هـ.ق)، خلف وعده (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۹/۶)، تبعیض بین فرزندان (پاینده، ۱۳۸۲؛ طبرسی، ۱۳۶۵، ۹۲/۱)، بی‌توجهی به ویژگی‌های مراحل رشد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۳۳/۲۰)، آموزش رفتارهای غیراخلاقی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۸/۳)، استفاده از مال حرام (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۲۵/۵؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۲۴۳/۲) و سهل‌انگاری در مراقبت‌های جنسی (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۰۰/۵؛ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴۳۶/۳؛ نوری، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲۰۱/۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۶۱/۲۱) و اعمالی که سبب انحراف جریان تربیت از مسیر اصلی آن می‌شود، یادآوری شده است.

بازی در تربیت کودک جایگاه ویژه‌ای دارد. (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۱/۶) کثرت و تأکید روایات بر بازی، سبب ایجاد بابی با عنوان «باب استحباب التصابی مع الولد و ملاحظته» در متون روایی شده است که از والدین به ویژه مادر می‌خواهد به بازی کودک اهمیت دهند (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۸۶/۲۱).

کارل گروس<sup>۱</sup> بازی را پیش‌تمرین عمومی و کمک‌کننده می‌داند که برای فعالیت‌های آینده فرد لازم است (منصور، ۱۳۷۹). اسکیلز<sup>۲</sup> و دای<sup>۳</sup> برای بررسی اثر مشارکت والدین در بازی با کودک در سال‌های اول زندگی، بر رشد ذهنی بعدی آنان، مطالعه‌ای انجام دادند که در آن، هر کودک عقب‌مانده ذهنی تحت مراقبت دختری بزرگ‌تر که عقب‌ماندگی ذهنی ضعیف‌تری داشت، قرار گرفت. این دختر در نقش جانشین مادر کودک، اوقات زیادی را صرف بازی و صحبت کردن با کودک می‌کرد. پس از گذشت چهار سال، هوش گروه آزمایشی، به طور متوسط ۳۲ نمره افزایش یافت، در حالی که هوش گروه گواه که همچنان در پرورشگاه بودند، ۲۱ نمره کاهش یافت. پس از ۲۰ سال، بار دیگر این دو گروه بررسی شدند و نتایج نشان داد که گروه آزمایشی، همچنان برتری خود را نسبت به گروه گواه حفظ کرده بودند (اتکینسون، ۱۳۷۵، ۱۲۵/۱).

1 . Gross  
2 . Scales  
3 . Dai

از نظر اسلام، نه فقط رشد جنبه‌های مختلف جسمی لازم است بلکه با توجه به ریشه زیست‌شناختی برخی رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی، تقویت جنبه‌های مختلف جسم کودک، به مادر سفارش شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۴۱/۶۳؛ راوندی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ حرعاملی، بی‌تا، ۴۰۵/۲۱). محبت به فرزند از تأکیدهای اسلام است که با صراحت (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۹/۶)، یا به زبان تشویق (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۳۶۹/۲، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۹/۶؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۸۳/۳) و یا با نهي از بی‌محبتی (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۳۸۴/۳، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۰/۶) والدین به آن خوانده شده‌اند. خواجه نصیرالدین طوسی محبت والدین به فرزند را بی‌نیاز از اراده می‌داند (اسماعیلی، ۱۳۸۱) و علامه طباطبایی معتقد است به دلیل عاطفی بودن زن، امر تربیت فرزند به او واگذار شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲/۴۱۵).

کرامت نفس، خودکنترلی و مقاومت در برابر خواسته‌های نفسانی را به دنبال دارد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳) و والدین ملزم به تکریم فرزندان خود می‌باشند (حرعاملی، بی‌تا، ۴۷۶/۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۰).

#### ۲-۱ نقش مادر از نگاه متون روان‌شناسی

از دیدگاه روان‌شناسی، انسان‌گراها بر این باورند که شخصیت سالم، زمانی شکل می‌گیرد که مادر بدون توجه به چگونگی رفتار کودک، به او عشق و محبت نشان دهد (شفیع‌آبادی، و ناصری، ۱۳۶۵). راجرز اهمیت رابطه مادر و کودک را عاملی می‌داند که بر احساس کودک از بالندگی خویش تأثیر می‌گذارد. اگر مادر توجه مثبت خود را نثار کودک کند، کودک با شخصیتی سالم رشد می‌کند. در غیر این صورت، تمایل نوزاد به سوی شکوفایی و رشد متوقف خواهد شد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲). مفهوم «توجه مثبت» راجرز، شامل رفتارهایی چون صمیمیت، دوست داشتن، احترام، همدلی و پذیرش است (لارنس، ۱۳۷۲، ۱/۲۱۵).

کارن هورنای معتقد بود که تجربه احساس امنیت و فقدان ترس، برای رشد شخصیت بهنجار کودک اهمیت زیادی دارد؛ چرا که کودک تحت سلطه، نیازمند امنیت است و امنیت کودک به چگونگی رفتار والدین با او بستگی دارد؛ تا زمانی که کودکان احساس کنند پدر و مادر آنها را دوست دارند، ایمن‌اند و می‌توانند بسیاری از رویدادهای آسیب‌زا را تحمل کنند. اریک فروم سه نوع رابطه میان فردی را بین والدین و فرزند مطرح می‌کند که بیانگر نوع برخورد کودکان در حال رشد برای یافتن امنیت در دوران طفولیت است. عشق، مطلوب‌ترین

شکل تعامل والد- فرزند است. در این مورد، والدین با احترام گذاشتن به فرزند و برقرار کردن توازن بین امنیت و مسئولیت، بیشترین فرصت را برای رشد مثبت شخصیت کودک فراهم می‌کنند. (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲)

روان‌شناسان روابط موضوعی،<sup>۱</sup> در مطالعه رشد و شکل‌گیری شخصیت، بیشتر به روابط اولیه کودک و مادر و چگونگی شکل‌گیری دنیای درونی کودک و روابط آتی فرد بزرگسال تحت تأثیر این روابط اولیه توجه دارند (سنتکلر<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶). کلاین<sup>۳</sup> از پایه‌گذاران رابطه با ابژه است (وارد، وزارت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲) که با اتخاذ رهیافتی متفاوت از فریود در روان‌کاوی کودکان (لاماث<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵) بیشتر توجهش را به دوران پیش‌ادیبی یعنی، زمانی که کودک در ارتباط تنگاتنگ با مادر قرار می‌گیرد، معطوف کرد. روان‌تحلیل‌گران تحصیل‌کرده در مکتب رابطه با ابژه، به تعامل بین کودک و مادر و نیز فرایندها و سازوکارهای روانی کودک در ارتباط با جهان پیرامونی توجه دارند. به نظر آنها، نخستین واکنش کودک با جهان، به شکل رابطه صورت می‌گیرد که بی‌شک نخستین رابطه با مادر است و همین رابطه با مادر، مبنایی برای ارتباط با افراد و اشیای دیگر فراهم می‌آورد (بتمن، هولمز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱). پایه‌های اصلی ارتباط‌های اجتماعی سودمند زمانی گذاشته می‌شود که ارتباط مادر و کودک به صورت دوست داشتن، گرم و حفاظتی باشد، ولی اگر رابطه مادر و کودک مبتنی بر عدم قبول یکدیگر باشد، پایه‌های حسادت، دشمنی و پرخاشگری بنا خواهد شد (راس<sup>۷</sup>، ۱۳۷۳).

مطالعه مستقیم کودکان توسط کلاین (۱۹۷۵)، او را به این کشف رساند که دنیای روانی کودکان خردسال و حتی نوزادان، آکنده از تعارضات بدوی و وحشیانه، گرایش به آدمکشی و آدم‌خواری و هوس‌های شهوانی و مدفوعی است. چون هنگام جدایی از مادر این نیروها آزاد می‌شوند، بنابراین می‌توان اضطراب جدایی را واکنشی در برابر ویرانگری درونی تلقی

- 1 . Object relations
- 2 . Michael St. Clair
- 3 . Melanie Klein
- 4 . Ward & Zarate
- 5 . Lamothe
- 6 . Bateman & Holmes
- 7 . Alan O. Ross



کرد (چسک، ۲۰۰۷). به طور کلی، کلین اضطراب کودک را در ارتباط با مادر تفسیر می‌کند؛ به این معنا که اضطراب عینی را مولود وابستگی کامل کودک به مادر با هدف ارضای نیازها و تنش‌هایش می‌داند و اضطراب نوزدی را ناشی از تصورات کودک در مورد ویران ساختن مادر با برانگیختن‌های آزارگرانه یا خطرچنین تخریبی تلقی می‌کند (جاکوپز، ۲۰۰۳). کلین مفهوم موضع افسرده‌وار کودکانه<sup>۲</sup> را یکی از مراحل اجتناب‌ناپذیر فرایند تحول می‌داند که آسیب‌پذیری فرد در برابر افسردگی را نیز به چگونگی طی کردن این مرحله نسبت به موضوع یا از دست دادن آن وابسته می‌داند (ایتل، آرنولد، و گلند، ۲۰۰۵).

فیربرن<sup>۳</sup> معتقد بود که انگیزش اولیه رفتار مردم، جستجوی اشیا است. بنابراین، ساختارهای پویای مایل به موضوع را جایگزین اصل لذت فروید کرد (راس، ۱۳۷۳). مفهوم «ساختارهای پویا»، «مؤلفه‌های نهاد» و «من» را در ساختاری واحد که همان «من ابتدایی» است، ادغام می‌کند و این «من» به دنبال موضوع است و نه صرفاً ارضا شدن (لامات، ۲۰۰۵). فیربرن سه مرحله در رشد روابط موضوعی معرفی می‌کند: (سنتکلر، ۱۳۸۶)

الف) مرحله وابستگی نوزادانه که در آن جذب روان‌شناختی موضوع‌ها در ساختار روان تحقق می‌یابد؛

ب) مرحله گذار یا واسطه که در آن روابط کودک با موضوع‌ها گسترش می‌یابد و بزرگ‌ترین نیاز کودک، حصول اطمینان از این امر است که والدین را در مقام شخص دوست دارند و عشق کودک را نیز به راستی می‌پذیرند؛

ج) مرحله وابستگی رشدیافته که متضمن رابطه میان دو شخص مستقل است که کاملاً مجزای از یکدیگرند.

اصطلاح «مادری رضایت‌بخش»<sup>۴</sup> که از ابداعات وینی کات<sup>۵</sup> (۱۹۶۵) است، بیانگر میزان مطالعه وی در موضوع مادری است. وینی کات مطالعات خود را بر تعامل کودک با محیط متمرکز کرد

1 . Chessick

2 . Infantile depressive position

3 . Ethel & Arnold & Glen

4 . Fairbairn

5 . good-enough mother

6 . Donald Woods Winnicott

و رشد هیجانی کودک خردسال را در قالب روابط کودک با مادر تعبیر نمود (پلد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). به باور وی، اگر محیط که در آغاز، خود مادر است رضایت بخش باشد، فرصت حرکت از آمیختگی با مادر به سوی نوعی وضعیت مستقل و قادر به برقراری روابط موضوعی را فراهم می آورد (سنت کلر، ۱۳۸۶). حرکت به سمت استقلال تا جایی است که کودک بتواند با موضوع های مستقل و بیرون از حیطه خیال پردازی ارتباط برقرار نماید؛ رشد یافتگی نشانه این است که فرد به دلیل برخورداری از مادری رضایت بخش این بخت را داشته باشد که باور به خوبی محیط را در خود شکل دهد (وینیکت<sup>۲</sup>، ۱۹۶۵).

ادیت جیکوبسن<sup>۳</sup> معتقد بود ناامیدی کودک در ارتباط با ایزه مادری، لزوماً با بی کفایتی مادر ارتباط ندارد. از دیدگاه وی، نومییدی بیشتر مربوط به نیاز خاص ناشی از سائق است تا تلاش کلی برای تماس و درگیری. او تجربه لذت و عدم لذت کودک را هسته مرکزی روابط ابتدایی مادر و کودک می دانست. تجارب رضایت بخش به ایجاد انگاره های خوب و مسرت بخش منجر می شود، در حالی که تجارب غیر رضایت بخش، انگاره های ناکام کننده و بد ایجاد می کنند. رشد بیمارگون یا رشد طبیعی، مبتنی بر تکوین این خود انگاره ها و انگاره های ایزه است. جیکوبسن معتقد بود مفهوم «تثبیت»<sup>۴</sup> به شیوه های روابط ایزه ای مربوط است تا شیوه های ارضا (سادوک<sup>۵</sup>، و سادوک، ۱۳۹۰/۱/۲۸۱).

از نظر ماهر<sup>۶</sup>، تولد روان شناختی فرد (که کودک، فرد مجزایی از مراقبت کننده اصلی اش می شود) در چند هفته اول زندگی پس از تولد آغاز می شود و در سه سال بعد یا بیشتر ادامه می یابد تا اینکه سرانجام به درک هویت می انجامد (فیست<sup>۷</sup> و فیست، ۱۳۸۷). وی عقیده دارد که موفقیت فرد در نخستین مراحل زندگی، آینده روان شناختی او را تعیین می کند؛ زیرا کیفیت این رابطه نخستین و حیاتی، در خلال روابط صمیمانه بعدی از سر گرفته می شود (دادستان، ۱۳۸۰/۱/۱۲۷).

1. Peled
2. Winnicott
3. Edith Jacobson
4. fixation
5. Sadock
6. Mahler
7. Fiest

کرنبرگ<sup>۱</sup> که کار خود را ادامه روانکاوی فروید می‌داند، معتقد است عنصر مهم در آگاهی یافتن از سازمان شخصیت، رابطه مادر- فرزند است. روابط مادر- فرزند نابسند به حالت‌های خودمتناقض و شکل‌های مختلف آسیب روانی می‌انجامد. کوهات<sup>۲</sup> ارتباط انسان را محور شخصیت می‌داند (فیست و فیست، ۱۳۸۷) و معتقد است که «خود» در خلال تجربه‌هایی که نیازهای بنیادی کودک را از راه روابط با «موضوع‌های خود»<sup>۳</sup> فراهم می‌آورند، شکل می‌گیرد. چگونگی تحول شخصیت، وابسته به حمایتی است که کودک از والدین دریافت می‌دارد. والدینی که حمایت‌کننده و دارای آرامش و اعتماد به نفس باشند، می‌توانند محیطی سالم برای تحول «خود»<sup>۴</sup> کودک فراهم آورند (دادستان، ۱۳۸۰/۱/۱۲۷).

کوهات تحول «خود» را مستلزم ارضای سه نیاز می‌داند؛ در وهله نخست، ایفای نقش آینه‌ای<sup>۵</sup> از سوی والدین؛ یعنی تأکید بر حس قدرت ذاتی، کمال و وحدت، قرار دارد. واکنش صحیح آینه‌وار به پرورش حرمت و تحکیم «خود» منجر می‌شود و ایفا نکردن این نقش به فقدان حرمت «خود» و نیاز دایم به اطمینان مجدد می‌انجامد. در وهله دوم، تحول «خود» مستلزم آرمانی‌سازی و درونی‌سازی موضوعی است که معرف آرامش، شکست‌ناپذیری و قدرت باشد؛ از راه درونی‌سازی والد آرمانی شده و سپس پذیرفتن این نکته که این والد، دارای قدرت مطلق با بصیرت مطلق نیست، خود فرد به تدریج به پذیرش خود، اعتماد به خود، آرمان‌نگری، مهار برانگیختگی و ظرفیت خودباوری دست می‌یابد. در وهله سوم، تحول «خود» نیازمند مشابهت با دیگران یا دست‌کم، فقدان تفاوت قابل ملاحظه با آنها است. احساس همانند بودن با دیگران، نوعی احساس تعلق و تطبیق با جامعه انسانی را ایجاد می‌کند و به تقویت حرمت خود می‌انجامد (دادستان، ۱۳۸۰/۱/۱۲۸).

با توجه به اهمیت موضوع مادری در ادبیات دینی و روان‌شناسی از طرفی و معین نبودن مؤلفه‌های نقش مادری از نگاه اسلام از طرف دیگر، پرسش نخست پژوهش این بود که مؤلفه‌های نقش مادری از نگاه اسلام کدام‌اند؟ و پرسش دوم، اینکه آیا مؤلفه‌های نقش

1. Kernberg
2. Kohut
3. Self object
4. Self
5. Mirroring



مادری از روایی محتوایی برخوردار است؟

## ۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است که جمع‌آوری داده‌ها و دستیابی به اهداف پژوهش در دو مرحله کلی صورت گرفت:

مرحله اول) یافتن عملکردهای مورد انتظار اسلام از مادران (اعم از مطلوب و واجب)، با توجه به آیات و روایات و ساماندهی عملکردها بر اساس مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌ها. مرحله دوم) تعیین روایی محتوایی مؤلفه‌ها.

در اجرای این دو مرحله گام‌های زیر برداشته شد:

الف) در گام اول، برای شناسایی نقش مادر از نگاه روان‌شناسی و داشتن تصویری شفاف‌تر از آنچه که باید در منابع اسلامی به دنبال آن باشیم، پیشینه موضوع در منابع روان‌شناسی بررسی شد.

ب) گام دوم به گردآوری اطلاعات از منابع دینی اختصاص یافت (منابع حدیثی شیعه و منابع حدیثی مشهور اهل سنت). جستجو در منابع بر اساس جستجوی واژه‌ای، با کمک نرم‌افزارهایی که مهم‌ترین آنها جامع الاحادیث و جامع التفاسیر بود، صورت گرفت. افزون بر جستجوی واژه‌ای، جستجو بر اساس ابواب احادیث، همچون باب «حق الاولاد»، باب «احکام الاولاد»، باب «استحباب التصابی مع الولد و ملاعبته» و باب «الرضاع» نیز صورت گرفت.

ج) مواد خام جمع‌آوری شده در سه مؤلفه اصلی و هفت زیرمؤلفه سامان‌دهی شد. سامان‌دهی مؤلفه‌ها به این ترتیب صورت گرفت که ابتدا هریک از مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها تعریف شد و سپس مستندات مربوط به هریک برای نظرخواهی از کارشناسان، ارائه گردید.

د) وجوه دلالت مستندات بر مؤلفه‌ای که تحت آن ساماندهی شده بود، بیان شد. در مواردی از مؤلفه‌ها که وجه دلالت متفاوت بود، برای هریک از مستندات، وجه دلالتی مستقل بیان شد و در مواردی که چند مستند، یک وجه دلالت داشتند، برای آنها یک وجه دلالت ذکر گردید.

ه) از آنجا که ممکن است مجموعه آیات و روایات دال بر یک موضوع، دلالتی متفاوت از دلالت هر یک از مستندات به تنهایی داشته باشد، وجه دلالت مجموعه مستندات (در همان فرم) بیان گردید تا دلالت کل بر هر مؤلفه نیز سنجیده شود.

و) با توجه به حساسیت کار با منابع دینی و ضرورت لحاظ جنبه‌های مختلف، قبل از ارایه مستندات به کارشناسان برای روایی سنجی، وجوه دلالت ذکر شده به تأیید دو کارشناس فقهی رسید. این اقدام به دلایلی چون به‌کارگیری مناسب اصطلاحات فقهی صورت گرفت. برای مثال، استحباب، اصطلاحی فقهی است و به نفس ممدوح بودن فعل از نظر اسلام، حتی اگر متن روایتی از آن تعبیر به استحباب کرده باشد، نمی‌توان به آن حکم استحباب داد.

ز) برای سنجش میزان دلالت مستندات بر مؤلفه‌ها، مستندات به پانزده نفر از کارشناسان ارائه شد. از این پانزده کارشناس، دوازده نفر نظرات خود را بر اساس سه گزینه «مناسب»، «تاحدی مناسب» و «نامناسب» ثبت کردند. به مواردی از مستندات که کارشناسی نظر نداده بود، امتیاز منفی یعنی، «نامناسب» داده شد. چنانکه بیش از سه کارشناس از دوازده کارشناس، مستندی را نامناسب ارزیابی می‌کردند، مستند ضعیف محسوب شده، حذف گردید.

ح) با استفاده از نرم افزار SPSS (نسخه ۲۰)، میانگین نمرات کارشناسان و ضریب تطابق کندال محاسبه گردید.

### ۳. یافته‌ها

مطابق پرسش‌های پژوهش، یافته‌ها در دو قسمت ارایه می‌شود:

#### ۳-۱. مؤلفه‌های نقش مادری از نگاه اسلام

در بررسی نظری و در بررسی آیات و روایات، در مجموع ده نقش برای مادری شناسایی شد. نقش‌ها در سه مؤلفه اصلی و هفت زیرمؤلفه به شرح زیر سامان‌دهی شدند:

#### ۳-۱-۱. پذیرش

پذیرش که زیرمؤلفه‌ای ندارد، به این معنا است که زن، عهده‌دار مادر شدن و مادری کردن شود. روایات متعددی با بیان‌های مختلف، زنان را به مادر شدن و مادری کردن تشویق می‌کنند:

رسول اکرم ﷺ می فرماید:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ نِسَائِكُمْ؟ قَالُوا بَلَى. قَالَ: إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوُلُودُ الْوُدُودُ... .

آیا بهترین زنان شما را معرفی کنم؟ گفتیم بله یا رسول الله. فرمود: به درستی که بهترین زن شما زنی است که بچه‌ها، خیلی با محبت و... باشد. (طبرسی، ۱۳۶۵)

همچنین در روایتی آمده است:

ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْجِهَادَ، فَقَالَتْ امْرَأَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِلنِّسَاءِ مِنْ هَذَا شَيْءٍ. فَقَالَ بَلَى لِمَرْأَةٍ مَا بَيْنَ حَمْلِهَا إِلَى وَضْعِهَا ثُمَّ إِلَى فِطَامِهَا مِنَ الْأَجْرِ كَالْمُرَاتِبِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّ هَلَكَتْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ كَانَ لَهَا مِثْلُ مَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ.

پیامبر ﷺ درباره جهاد صحبت می‌کردند، زنی پرسید: ای رسول خدا! از این جهاد برای زنان نصیبی نیست؟ فرمود چرا، زن از زمانی که حامله می‌شود تا به دنیا آوردن فرزند و سپس تا زمانی که بچه را از شیر بگیرد، ثواب مجاهد در راه خدا را دارد و اگر در این بین بمیرد، برای او مقامی به مانند مقام شهید خواهد بود. (طبرسی، ۱۳۶۵).

روایات با بیان ملاک ارزش‌گذاری در اسلام و جایگاه مادری که معادل جهاد و شهادت در راه خدا است، زنان را به پذیرش مادر شدن و مادری کردن تشویق می‌نمایند.

### ۲-۱-۳. محافظت

مراد از محافظت، مجموعه اقداماتی است که برای حفظ و بقای کودک لازم است. اقدامات محافظتی مادر، زیرمؤلفه‌های نقش محافظتی مادر را تشکیل می‌دهند که عبارتند از:

#### ۱-۲-۱-۳. تأمین نیازهای زیستی

خداوند متعال، قدرت تغذیه فرزند را به مادر داده است. امیرالمؤمنین علی ع فرمودند: ... وَمِنْ رَحْمَتِهِ - أَنَّهُ لَمَّا سَلَبَ الطِّفْلُ قُوَّةَ التُّهُؤُصِ وَالتَّغْدِي - جَعَلَ تِلْكَ الْقُوَّةَ فِي أُمِّهِ وَرَفَّقَهَا عَلَيْهِ لِتَقْوَمَ بِتَرْبِيَّتِهِ وَحَصَانَتِهِ ... .

خداوند رحمان، کسی است که با روزی دادن بر خلقش عطاوفت می‌کند و از رحمت او این است که وقتی طفل، قدرت برخاستن و تغذیه ندارد، آن قوت و قدرت را در مادرش قرار می‌دهد و مادر را بر فرزند، رقیق و مهربان می‌کند تا برای تربیت و نگهداری فرزند، اقدام نماید... (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۲۴۸/۸۹)

و اینچنین از مادران می‌خواهد به تغذیه فرزند خود بپردازند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ

کاملین...؛ مادرانی که می خواهند، شیر دادن را به فرزندان خود کامل سازند... (بقره: ۲۳۳).

### ۳-۲-۱-۲. حفظ از خطر

در زندگی تهدیدهایی وجود دارد که هستی و یا سلامت کودک را تهدید می کند. این تهدیدها ممکن است با توجه به ضعف کودک، ناشی از خطرات طبیعی و محیطی و یا انسانی و در قالب دشمنی باشد. نه فقط محافظت از فرزند در برابر خطرات محیطی از مادر انتظار می رود، بلکه در قرآن کریم از مادر موسی عَلَيْهَا یاد شده است (قصص: ۷ و ۱۱) که برای حفظ فرزند خود، دست به اقداماتی خطرناک می زند (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

### ۳-۲-۱-۳. مراقبت های پیشگیرانه

در فرایند خلقت و رشد کودک، موقعیت هایی وجود دارد که اگرچه بنا به وضعیت افراد، تأثیرهای متفاوتی دارد، رعایت نکردن آنها سلامت و حتی هستی فرد را به خطر می اندازد. روایات، والدین را متوجه این موقعیت ها نموده و در درجه اول لزوم پیشگیری از آسیب ها را با دوری از آن موقعیت ها یادآور شده است. امام رضا عَلَيْهِ می فرماید:

لَا تَقْرَبِ النِّسَاءَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ لَا شِتَاءَ وَلَا صَيْفًا وَ ذَلِكَ أَنَّ الْمَعْدَةَ وَالْعُرْوَقَ تَكُونُ مُتَلَيَّةً وَ هُوَ غَيْرُ مَحْمُودٍ يُتَخَوَّفُ مِنْهُ الْقَوْلُنْجُ وَ الْفَالِجُ وَ اللَّقْوَةُ وَ النَّقْرُسُ وَ الْحِصَاءُ وَ التَّقْطِيرُ وَ الْفَتْقُ وَ ضَعْفُ الْبَصَرِ وَ الدِّمَاغُ، فَإِذَا أُرِيدَ ذَلِكَ فَلْيَكُنْ فِي آخِرِ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهُ أَصْحَحُ لِلْبَدَنِ وَ أَرْجَى لِلْوَلَدِ وَ أَذْكَى لِلْعَقْلِ فِي الْوَلَدِ الَّذِي يُقْضَى بَيْنَهُمَا.

آغاز شب، چه در زمستان و چه در تابستان، با زنان آمیزش مکن، این بدان جهت است که معده و رگ ها پُرند و این وضعیت مناسبی [برای آمیزش] نیست و بیم قولنج و فلج و لقوه چانه و نقرس و سنگ [کلیه] و تقطیر (چکایش) بول و فتق و ضعف در بینایی و ذهن می رود. پس اگر قصد آمیزش دارد، باید در پایان شب انجام دهد، که برای بدن، صحت افزاتر و برای فرزنددار شدن امیدبخش تر و برای باهوش شدن فرزندی که در این میان پدید می آید، بهتر است. (طب الرضا، ۱۴۰۲)

در گام بعد از مادران خواسته شده اگر با وجود مراقبت از فرزند، آسیب و یا بیماری هایی رخ داد، برای بهبود وضع سلامت فرزند و کاهش یا محدود کردن ناتوانی حاصل از بیماری، پیشگیری های بعدی را در قالب پرستاری و اقدامات درمانی انجام دهند. در سیره معصومان و روایات (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۴۵/۳۵)، و با تقسیم کار بین زن و مرد (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۷۲/۲۰)

مسئولیت فرزندان به مادران واگذار شده است. در روایات آمده است: «...الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ وَزِنَ نَكْهَبَانَ [اموال زندگی] منزل همسر و [مراقب تربیت] فرزندان است و [نسبت به رسیدگی به امور خانه و شوهرداری و تربیت فرزندان] مسئول است» (دیلمی، ۱۴۱۲ هـ. ق. ۱/۱۸۴)، بر این اساس، مادران در پیشگیری‌های ثانویه و ثالثیه مسئول اند.

### ۳-۱-۳. پرورش

مراد از پرورش، مجموعه اقداماتی است که مادر برای رشد و شکوفایی توانایی‌های فرزند در ابعاد مختلف انجام می‌دهد. زیرمؤلفه‌های پرورش عبارتند از:

#### ۳-۱-۳-۱. پرورش جسمی

افزون بر رشد طبیعی جسم کودک که در سایه اقدامات محافظتی مادر صورت می‌گیرد، والدین به اقداماتی در ارتباط با همین جسم توصیه شده‌اند که سبب رشد جسمی در جنبه‌های مختلف و تقویت پایه‌های زیستی سایر ابعاد می‌شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَا مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتْ الْبَطِيخَ إِلَّا يَكُونُ مَوْلُودُهَا حَسَنَ الْوَجْهِ وَالْحُلُقِ؛ هَيْجَ زَن بَارِدَارِي نِيَسْتِ كَه خَرَبِزَه بَخُورِد، مَگَرَايِن كَه فَرَزَنْدَش زِيْبَا وَخُوش اِخْلَاقِ مِي گَرَدَد» (مستغفری، ۱۳۹۰). در جای دیگری می‌فرماید: «أَطْعَمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَةَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا؛ بَه زَن، دَر مَاهِي كَه زَايْمَان كَرْدَه اَسْت، خَرْمَا بَدَهِيْد؛ چَرَاكَه فَرَزَنْد او بَرْد بَار و پَاك مِي شُود» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق. ۶۳/۱۴۱).

#### ۳-۱-۳-۲. توجه به بازی کودک

منابع اسلامی نه فقط با بیان پیامدهای مثبت بازی کودکان، تصویر مثبتی از آن ارائه داده‌اند، بلکه تأکید دارند نباید غیر از بازی و بازیگوشی، انتظاری از کودک داشت:

تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.

بهتر آن است که کودک را در همان سن پایین با سختی‌ها و مشکلات آشنا کنی تا وقتی بزرگ شد بتواند مشکلات زندگی را تحمل کند. سپس فرمود جز این شایسته نیست عمل شود. (کلینی، ۱۴۰۷ هـ. ق. ۶/۵۱)

روایات متعددی، والدین را به رها کردن کودکان در هفت سال اول برای بازی سفارش می‌نمایند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: «الغلام يلعب سبع سنين...». (کلینی، ۱۴۰۷ هـ. ق. ۶/۴۷) طبیعی

است رها کردن کودک برای بازی به معنای بی‌نیازی او از محافظت در برابر خطرات احتمالی و یا بی‌نیازی از توجه والدین به بازی او و بلکه همراهی نکردن او نیست. بر اساس مسئولیت مادران نسبت به فرزندان، به ویژه در دوران کودکی و تقسیم کار بین زن و مرد در اسلام (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق. ۱۷۲/۲۰) مادران نسبت به بازی فرزندان خردسال خود مسئولیت دارند.

### ۳-۳-۱-۳. محبت

محبت به معنای دوست داشتن و مهرورزیدن است. از جمله مؤلفه‌های نقش مادری، محبت به فرزند است که روایات هم به روشنی و در عین حال، کلی به آن دستور داده‌اند: «أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُم؛ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق. ۴۹/۶) و به مصادیق و کیفیت آن نیز پرداخته‌اند: «أَكْثِرُوا مِنْ قُبْلِهِ أَوْلَادِكُمْ...؛ فرزندان خود را بسیار ببوسید...» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵/۲، ۳۶۹).

### ۳-۳-۱-۳. ۴. تکریم

تکریم به این معناست که بر مادر لازم است برای کودک خود ارزش قایل بوده، به او احترام گذارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَاحْسِنُوا آدَابَهُمْ؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و نیکو تربیتشان کنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق. ۲۱، ۴۷۶).

### ۳-۳-۱-۳. ۵. توجه به موانع رشد

پرورش فرزند در مسیر کمال و تربیت انسانی که در همه ابعاد سالم باشد، فقط با انجام برخی امور محقق نمی‌شود، بلکه همچون محافظت جسمی نیاز به مراقبت‌های پیشگیرانه دارد. منابع دینی، والدین را به موانع رشد توجه داده، آنها را ملزم به توجه به این موانع نموده‌اند. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتَّكُ لَهٗ مَوْضِعًا مِّنْ ذَنْبِهِ لِيَأْتِيَ بِحِمْلِهِ الْخُرَاجَ عَلَى الْمَكَابِرَةِ.

وقتی نوجوانی را سرزنش می‌کنی مواظب باش بعضی از لغزش‌هایش را نادیده

بگیر تا جوان به لجاجت و عکس‌العمل و ادا نشود. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق. ۲۰، ۳۳۳)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز فرموده‌اند: «...وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُؤَاهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْتَفُوهُمْ؛ ...

و هرگاه به آنها وعده دادید وفا کنید؛ زیرا آنها شما را روزی دهنده خود می‌دانند...» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق.

۳-۱-۳-۶. جهت دهی مذهبی

نه فقط لازم است تمام فعالیت های مادر با نیت تقرب به خدا باشد (وگرنه چیزی جز زحمات و فواید دنیایی نصیبش نمی شود)، فرزندش را نیز باید در همین مسیر تربیت نماید. امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ ... أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْإِدْبِ وَالِدِلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَيَكُ فِي نَفْسِهِ فُتْنَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَمُعَاقِبٌ، فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَلَى الْمُتَزِينِ بِحُسْنِ آثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا، الْمَعْدَّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَالأَخْذِ لَهُ مِنْهُ.

حق فرزند این است که بدانی او جزیی از وجود تو و در دنیا با هر خیر و شری که دارد به تو منسوب است، و تو در حسن تربیت، راهنمایی به خدا، کمک به او در اطاعت از تو و ایجاد روحیه فرمان پذیری مسئولی و در این زمینه پاداش یا کیفر داری؛ پس با وی چنان رفتار کن که در دنیا آثار نیک تربیتت مایه سرافرازی و زینت تو باشد و در آخرت به سبب انجام وظیفه در پیشگاه الهی معذور باشی. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق)

۳-۲. روایی محتوای مؤلفه های نقش مادر

کارشناسان، روایی محتوای مستندات را از دو جنبه بررسی کردند:

۳-۲-۱. روایی محتوای مستندات

دلالت هریک از مستندات بر مؤلفه مربوطه سنجیده شد. با مبنا قرار دادن تأیید حداقل نه نفر از دوازده کارشناس، یک مستند رد شد و مابقی مستندات نظر موافق اکثریت کارشناسان را کسب کردند.

۳-۲-۱-۱. روایت رد شده

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ». (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۶/۵۰) علت رد این روایت به عقیده کارشناسان، خصوصیت نداشتن روایت برای مادر ذکر شد.

۳-۲-۱-۲. میانگین نمرات کارشناسان

برای بررسی روایی محتوای مؤلفه ها، میانگین نظرات کارشناسان در مورد هریک از مستندات نیز محاسبه شد. بیشترین میانگین به دست آمده مربوط به مستندات شماره

چهار پذیرش، مستند شماره چهار تأمین نیازهای زیستی و مستندات شماره ۱ و دوازده توجه به موانع رشد می باشد که نظر موافق همه کارشناسان را به خود اختصاص داده اند و کمترین میانگین مربوط به مستند شماره یک توجه به بازی کودک با میانگین ۲/۲۵ می باشد.

### ۳-۲-۳. ضریب هماهنگی کندال

مطابق جدول شماره «۱» ضریب تطابق کندال به دست آمده ۱/۰۰۰ می باشد که نشان دهنده توافق بالای کارشناسان خبره در مورد تطابق مستندات با مؤلفه ها است.

#### جدول شماره ۱: ضریب تطابق کندال

۱۲	تعداد کارشناسان
۱/۰۰۰	ضریب تطابق کندال
۱۲/۰۰۰	مقدار کای اسکوئر(خی دو)
۱	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری

### ۳-۲-۲. روایی محتوای مجموعه مستندات

افزون بر روایی سنجی هر یک از مستندات، کارشناسان، دلالت مجموعه مستندات هر مؤلفه بر آن مؤلفه را نیز بررسی نمودند. جدول شماره «۲» نشان می دهد که نتیجه روایی سنجی، تأیید همه مؤلفه ها توسط حداقل نه نفر از دوازده کارشناس بود.



جدول شماره «۲»: توزیع فراوانی نمره کارشناسان به دلالت مجموعه مستندات

مؤلفه	زیرمؤلفه	نامناسب	تأحدی مناسب	مناسب
پذیرش	-	۲	۱	۹
محافظت	تأمین نیازهای زیستی		۱	۱۱
	حفظ از خطر		۳	۹
	مراقبت های پیشگیرانه	۲	۳	۷
پرورش	پرورش جسمی	۱	۲	۹
	توجه به بازی کودک	۱	۵	۶
	محبت	۱	۲	۹
	تکریم	۱	۲	۹
	توجه به موانع رشد		۱	۱۱
	جهت‌دهی مذهبی		۱	۱۱

۱-۲-۲-۳. میانگین نمرات کارشناسان

برای بررسی روایی محتوای پرسشنامه، میانگین نظرات کارشناسان محاسبه شد. مطابق جدول شماره «۳» بیشترین میانگین به دست آمده، مربوط به مؤلفه‌های تأمین نیازهای زیستی و جهت‌دهی مذهبی با میانگین ۲/۹۱ و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه‌های مراقبت‌های پیشگیرانه و توجه به بازی کودک با میانگین ۲/۴۱ است.

جدول شماره «۳»: میانگین نمرات کارشناسان

مؤلفه	میانگین
پذیرش	۲/۵۸۳۳
تأمین نیازهای زیستی	۲/۸۳۳۳
حفظ از خطر	۲/۷۵۰۰
مراقبت های پیشگیرانه	۲/۴۱۶۷
پرورش جسمی	۲/۶۶۶۷
توجه به بازی کودک	۲/۴۱۶۷
محبت	۲/۶۶۶۷
تکریم	۲/۶۶۶۷
توجه به موانع رشد	۲/۹۱۶۷
جهت‌دهی مذهبی	۲/۹۱۶۷

جدول شماره «۴» نشان می‌دهد که ضریب تطابق کندال به دست آمده ۱/۰۰۰ بود که نشان‌دهنده توافق بالایی کارشناسان خبره در مورد تطابق مستندات با مؤلفه‌ها است.

جدول شماره ۴: ضریب تطابق کندال

۱۲	تعداد کارشناسان
۱/۰۰۰	ضریب تطابق کندال
۱۲/۰۰۰	مقدار کای اسکوئر (خی دو)
۱	درجه آزادی
./۰۰۱	سطح معناداری

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

زن، یکی از اعضای تشکیل‌دهنده خانواده است و نقش ویژه‌ای در تشکیل و پایداری خانواده دارد. هم در متون دینی و هم در علوم کاربردی، نقش‌های متعددی برای وی تعریف شده است که گاه موجب تعارض و مشکلاتی شده است. نتایج پژوهش نشان داد که نقش مادری از نگاه آیات و روایات دارای ده مؤلفه است. پژوهش‌های تحلیلی در حوزه علوم اسلامی، نظر کارشناسان این حوزه و همچنین پژوهش‌های نظری و تجربی روان‌شناسان، مؤید مؤلفه‌های به دست آمده بود.

برآیند آموزه‌های اسلامی در موضوع خانواده و فرزندپروری تأییدکننده «پذیرش» به عنوان یکی از مؤلفه‌های نقش مادری است. تشریح احکام حقوقی و اخلاقی در اسلام به گونه‌ای است که زمینه روان‌شناختی مساعدی برای پذیرش نقش مادری از سوی مادر بیولوژیک را فراهم می‌آورد؛ از طرفی با وجود تعلق فرزند به پدر و مادر از نگاه اسلام (بقره: ۲۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲/۳۶۰)، فرزندپروری به عنوان یک تکلیف از مادر برداشته شده است تا جایی که مادر می‌تواند برای نگهداری از فرزند مطالبه اجرت نماید (النجفی الجواهری، ۱۳۹۲، ۳۱/۲۸۰) و از طرف دیگر، مشوق‌های فراوانی ارائه شده است که مادران را به پذیرش این نقش برمی‌انگیزد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/۴۵۱). در بعد تکوین نیز شرایط مساعد برای مادری فراهم آمده است که از تعبیه جهاز لازم برای مادری در خلقت زن گرفته تا انگیزش درونی که مادر را به سوی مادری می‌خواند

مجلسی، ۱۴۰۳، ق. ۸۹/۲۴۸). همچنین ذکر «نگرش» به عنوان یکی از مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان، همسو با تعیین «پذیرش» به عنوان یکی از مؤلفه‌های نقش مادری است.

در روان‌شناسی با رویکرد روان‌تحلیل‌گری، «مراقب‌پذیرا و در دسترس» به عنوان یکی از دو فرض اساسی نظریه دلبستگی تأییدکننده مؤلفه پذیرش است (فیست و فیست، ۱۳۸۷) چنانکه همین فرض مؤید «محافظت» به عنوان مؤلفه دیگر نقش مادری نیز می‌باشد. بالبی، وابستگی کودک در بقا را از مبانی نظریه دلبستگی می‌داند، تفسیر ملانی کلاین از اضطراب که بر اساس وابستگی کامل کودک در ارضای نیازها و تنش‌ها به مادر-مراقب صورت می‌پذیرد (جاکوپز، ۲۰۰۳) مؤید مؤلفه محافظت است. مفهوم «توجه مثبت» راجرز، به عنوان یک روان‌شناس انسان‌گرا، که شامل رفتارهایی چون صمیمیت، دوست داشتن، احترام، همدلی و پذیرش است (لارنس، ۱۳۸۲/۱/۲۱۵) نیز تأییدکننده مؤلفه‌های پذیرش محبت و تکریم می‌باشد.

خواجه نصیرالدین طوسی بیان می‌کند محبت والدین به فرزندان ذاتی است و نیاز به اراده ندارد و در قرآن در این مورد به والدین امر نشده است (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۵)، دیدگاه وی محبت را به عنوان یکی از مؤلفه‌های نقش مادری تأیید می‌نماید. همچنین نظر علامه طباطبایی که حیات زن را حیاتی عاطفی می‌داند و معتقد است که به همین دلیل تربیت فرزند در اسلام به زن سپرده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴/۲/۴۱۵) مؤید این مؤلفه از نقش مادری است. این نظر علامه، کلیت همه مؤلفه‌ها را با توجه به اینکه معتقد است مباشرت در تربیت با مادر است، تأیید می‌نماید. بر اساس متون روان‌شناسی نیز، ضرورت ارضای [غیرمشروط] نیاز به محبت کودک توسط مادر، برای رسیدن به خودشکوفایی (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲؛ شفیع‌آبادی، ۰۰، ناصر، ۱۳۶۵)، محبت را به عنوان مؤلفه نقش مادری تأیید می‌نماید. همچنین طرح اختلال دلبستگی واکنشی از سوی اشپیتز مؤید ضرورت محبت به عنوان یکی از مؤلفه‌های نقش مادری است. هورنای احساس امنیت کودکان و آمادگی آنها برای رویارویی با رویدادهای آسیب‌زا را منوط به صمیمیت و محبت والدین می‌داند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲).

مطرح شدن عشق به عنوان مطلوب‌ترین شکل تعامل والد - فرزند که در آن والدین به شخصیت فرزند خود احترام می‌گذارند تکریم را به عنوان یکی از مؤلفه‌های نقش مادری

تأیید می‌نماید. نتایج تحقیقات اسکیلز و دای مبنی بر ضرورت توجه به بازی کودک، همسو با معرفی «بازی» به عنوان یکی از مؤلفه‌های نقش مادری است. علاوه بر پژوهش‌های ذکر شده مؤلفه‌های نقش مادری توسط کارشناسان نیز تأیید شدند. روایی سنجی صورت گرفته بیانگر آن است که کارشناسان با هماهنگی بالا، دلالت مستندات اسلامی بر مؤلفه‌های نقش مادری را تأیید می‌کنند.

فهرست منابع

\*قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۵۱۴۰۵ ه.ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*. مصحح: عراقی، محتبی. قم: دار سیدالشهدا.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۵۱۴۰۴ ه.ق). *شرح نهج البلاغه*. مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۵۱۴۱۳ ه.ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا* علیه السلام. مترجم: مستفید، حمیدرضا، و غفاری، علی اکبر. تهران: صدوق.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۵۱۳۸۵ ه.ق). *دعائم الإسلام*. مصحح: فیضی، آصف، قم: مؤسسه آل البيت.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۵۱۴۰۴ ه.ق). *تحف العقول*. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب* علیه السلام. قم: علامه.
۸. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۵۱۴۰۷ ه.ق). *عده الداعی ونجاح الساعی*. مصحح: موحدی قمی، احمد. قم: دارالکتب الاسلامی.
۹. اتکینسون، ریتال ال (۱۳۷۵). *زمینه روان شناسی هیلگارد*. مترجم: براهنی، محمد تقی. تهران: رشد.
۱۰. اسماعیلی، آیت الله (۱۳۸۱). *حقوق مادر در قرآن و حدیث*. نشریه حدیث اندیشه، ۱: ۲۸-۱۵.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*. تهران: دنیای دانش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیاة*. قم: اسراء.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). *وسائل الشیعه*. تهران: المکتبه الاسلامی.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۵. دادستان، پریوخ (۱۳۸۰). *روان شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی*. تهران: سمت.
۱۶. الدافغانی، الحسین بن محمد (۱۹۷۷ م). *اصلاح الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم (قاموس القرآن)*. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۷. دیلمی، حسن بن محمد (۵۱۴۱۲ ه.ق). *ارشاد القلوب الی الصواب (اللدیلمی)*. قم: الشریف الرضی.
۱۸. راس، آلن (۱۳۷۳). *روان شناسی شخصیت (نظریه ها و فرایندها)*. مترجم: جمال فر، سیاوش. تهران: بعثت.
۱۹. سادوک، بنجامین جیمز، و آلکوت سادوک، ویرجینیا (۱۳۹۰). *خلاصه روانپزشکی: علوم رفتاری*. مترجم: رضاعی، فرزین. تهران: ارجمند.
۲۰. سنت کلر، مایکل (۱۳۸۶). *درآمدی بر روابط موضوعی و روان شناسی خود*. مترجم: طهماسب، علیرضا، و علی آقایی، حامد. تهران: نی.
۲۱. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الأخبار (لشعیری)*. [بی تا]. نجف: مطبعه حیدریه.
۲۲. شفیع آبادی، عبدالله، و ناصری، غلامرضا (۱۳۶۵). *نظریه های مشاوره و روان درمانی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۳. شولتز، دوان پی، و شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۲). *نظریه های شخصیت*. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: ویرایش.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی (۵۱۴۱۶ ه.ق). *مسالك الأفهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۵. طاهری نیا، احمد (۱۳۸۸). *پژوهشی در حضانت کودک از دیدگاه اسلام*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. مترجم: موسوی همدانی، محمد باقر. قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۷. طب الرضا علیه السلام (مجموعه دستورات پزشکی امام رضا علیه السلام) (۵۱۴۰۲ ه.ق). قم: انتشارات خیام.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل [بی تا]. *مکارم الأخلاق*. مترجم: میرباقری، ابراهیم. تهران: فراهانی.
۲۹. فتال تیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الاعظین و بصیره المتعظین*. قم: رضی.
۳۰. فیست، جس، و فیست، گریگوری جی (۱۳۸۷). *نظریه های شخصیت*. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: روان.
۳۱. فیض کاشانی، ملا محسن (۵۱۴۱۵ ه.ق). *تفسیر الصافی*. تحقیق: حسین اعلمی. تهران: الصدر.
۳۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۷). *الدعوات (لراوندی) - سلوه الحزین*. قم: مدرسه امام مهدی.
۳۳. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۵۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۳۴. لارنس. ای (۱۳۷۲). روان‌شناسی شخصیت. مترجم: جوادی، محمدجعفر، و کدیور، پروین. تهران: رسا.
۳۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳.ق). بحار الأنوار. دار الإحياء التراث العربي.
۳۶. ستغفري، جعفر بن محمد (۱۳۹۰). طب النبي ﷺ. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۸. منصور، محمود (۱۳۷۹). روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: سمت.
۳۹. النجفی الجواهری، محمدحسن (۱۳۹۲). جواهر الکلام. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸.ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۴۱. ورام‌بن‌آبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰.ق). تنبیه الخواطر و نزه النواظر المعروف بمجموعه ورام. قم: مکتبه فقیه.
۴۲. همدانیان، فاطمه، نعمت، خلیل، و خدابخش، روشک (۱۳۹۰). نگره‌ای تطبیقی بر «مادری» در روان‌شناسی و ادبیات ادیان. پژوهش‌نامه زنان، ۳(۲)، ۱۴۳-۱۶۳.
43. Bateman. A., & Jeremy, H. (2001). *Introduction to Psychoanalysis*, Taylor & Francis Group. London and New York.
44. Chessick Richard, D. (2007). *The Future of Psychoanalysis*. State University New York Press.
45. Ethel, S., Arnold, M., & Glen, O. (2005). *Textbook of Psychoanalysis*. American Psychiatric Publishing.
46. Jacobus, M. (2003). *The Poetics of Psychoanalysis*. New York: Oxford University press.
47. Klei, M. (1975). *Our adult World and its roots in infancy. In Envy and Gratitude and other works*. New York: Delta books.
48. Lamothe, R. (2005). *Becoming Alive Psychoanalysis and vitality*. London and New York: Routledge Taylor & Francis Group.
49. Peled, A. (2008). *NeuroAnalysis: Bridging the Gap between Neuroscience, Psychoanalysis and Psychiatry*. London and New York: Group Taylor & Francis
50. Stadter, M., & Jasona. R. (2009). *Object Relations Brief Therapy*. American Healthcare Institute.
51. Ward, I., & Zarate, O. (2002). *Introducing Psychoanalysis*. USA: Totem Books.
52. Winnicott, D.w. (1953). *Transitional objects and transitional phenomena*, International Journal of Psychoanalysis.
53. Woods, D. (1963). *from dependence to independence in the development of the individual. In The maturational proceses and the facilitating environment*. New York: International Universities Press
54. Woods, D. (1965). *The theory of the Parent-Infant Relationship In The maturational processes and the facilitating environment*. New York: International Universities Press.